

حجر، به زمان ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام برمی گردد. نقل های متفاوت و گاه ناهمگونی درباره سبب ساخت حجر وجود دارد. برخی از گزارش ها از پناه گرفتن اسماعیل علیه السلام از آفتاب سوزان در این قسمت خبر داده ^۳، و شاید در همین راستا حجر را خانه وی معرفی می کنند. ^۴ این در حالی است که برخی از روایت ها ساخت اولیه حجر را به حضرت ابراهیم علیه السلام و با هدف محافظت از گوسفندان اسماعیل علیه السلام بیان کرده اند. ^۵

روایت های اسلامی، از تدفین برخی از انبیای الهی در حجر، بدون اشاره به نام ایشان، خبر داده اند. بر اساس این گزارش ها جنازه اسماعیل، مادرش هاجر و برخی از دختران وی، در این مکان دفن شده اند. ^۶

حجر همواره مورد توجه مکیان بوده و خبرهایی از جلوس عبدالمطلب در حجر ^۷، نزاع های لفظی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و مشرکان قریش در این مکان ^۸، و نیز اجتماع آنان برای تصمیم گیری بر ترور آن حضرت ^۹ وجود

جواد علی عبیدی (۱۳۲۴-۱۴۰۸ق.)، بیروت، دار الساقی، ۱۴۲۲ق؛ مکه و مدینه فی الجاهلیة و عهد الرسول: احمد ابراهیم الشریف، دار الفکر العربی؛ المنمق فی اخبار قریش: محمد بن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق؛ النهایه: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

گروه ادیان



حجرات ← خانه های رسول الله صلی الله علیه و آله

حجر اسماعیل: مدفن حضرت اسماعیل علیه السلام در جوار کعبه

حجر اسماعیل بر محوطه نیم دایره ای شکل، در جهت شمال غربی کعبه، روبه روی ناودان کعبه اطلاق می شود. ^۱ این محوطه با دیواری به ارتفاع ۱/۳۲ متر و پهنای ۱/۵۲ متر مشخص شده است. فاصله دیوار یاد شده از ناودان طلا، حدود ۶/۸ متر است و محدوده ای به طول ۸/۴۴ متر میان رکن عراقی و شامی (غربی) را دربر گرفته است. ^۲ (تصویر شماره ۲۶)

بر اساس روایت های دینی، تاریخچه ایجاد

۱. التاريخ القويم، ج ۲، ص ۵۶۹.

۲. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۶۶؛ التاريخ القويم، ج ۲، ص ۵۷۶.

۳. تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۱۷.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰.

۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۶۴-۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۵.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۰؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵.

۷. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۲.

۸. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۹. المغازی، ج ۱، ص ۱۲۵.

دارد. تعدد رؤیاهای منتسب به بزرگانی همچون عبدالمطلب^۱، و پیامبر^۲ نشان از بودن این مکان برای استراحت پس از انجام عبادت دارد.

گزارش‌های مربوط به تعیین حجر، به عنوان نقطه آغازین معراج پیامبر^۳، برگزاری برخی از سخنرانی‌های آن حضرت^۴، حضور ائمه شیعه در مناسبت‌های مختلف، و دعا و مناجات ایشان در این مکان^۵، نشان از مکانت فوق‌العاده حجر نزد بزرگان دین دارد.

برخی با استناد به حدیثی منسوب به پیامبر^۶ خطاب به عایشه^۷، بر این باورند که قسمتی از حجر کنونی اسماعیل، جزو کعبه بوده که به جهت ناتوانی مالی قریش، در بازسازی کعبه در سال پنجم پیش از بعثت، در حجر داخل شده^۸ و حتی نامگذاری حجر را متناسب با سنگین مشخص کننده قسمت باقی مانده از کعبه و منع افراد از ورود

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۴۲؛ البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. سعد السعود، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۷.

۳. سعد السعود، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۷.

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۷۹.

۵. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۳۷؛ الغیبه، ص ۲۵۹؛ بصائر الدرجات، ص ۳۷۳.

۶. صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۱۴۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۶۸.

۷. التاریخ القویم، ج ۲، ص ۵۷۳.

به آن دانسته‌اند.^۹

عبدالله بن زبیر در سال ۶۴ق. در بازسازی کعبه، قسمت یاد شده را به کعبه ملحق کرد. ولی حجاج بن یوسف، پس از کسب اجازه از عبدالملک بن مروان (حک: ۶۵-۸۶ق.) در سال ۷۴ق. بنای کعبه را به شکل قبلی آن بازگرداند.^{۱۰} مساحت حجر، از آن زمان تا کنون، بدون تغییر مانده است.

منابع از سنگفرش حجر به سال ۱۴۰ق. به فرمان منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق.)^{۱۱} و بازسازی آن به سال ۱۶۴ق. به دستور مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق.)^{۱۲} خبر داده‌اند. بازسازی‌های دیگری در سال‌های ۱۰۴۰، ۱۲۶۰ و ۱۲۸۳ق.، در دوره سلاطین عثمانی، انجام شد.^{۱۳}

در سال ۸۵۲ق.، سلطان چقمق چرکسی (حک: ۸۴۲-۸۵۷ق.) برای اولین بار جامه‌ای برای پوشاندن حجر اسماعیل^{۱۴}، به همراه جامه کعبه، ارسال کرد که در سال بعد مورد استفاده قرار گرفت.^{۱۵}

۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۱.

۹. الاعلاق النفیسه، ص ۳۰؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۱۴.

۱۰. اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۱۳؛ منافع الکریم، ج ۲، ص ۹۲.

۱۱. اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ التاریخ القویم، ج ۲، ص ۵۷۹.

۱۲. التاریخ القویم، ج ۲، ص ۵۷۹.

۱۳. التاریخ القویم، ج ۲، ص ۵۷۸.

سید محمد مهدی موسوی خراسان، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ *البدایة و النهایة فی التاریخ: اسماعیل بن عمر بن کثیر (۷۰۰-۷۷۴ق.)*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ *بصائر الدرجات فی علوم آل محمد: محمد بن الحسن الصفار (م. ۲۹۰ق.)*، به کوشش محسن کوچه باغی تبریزی، تهران، علمی، ۱۴۰۴ق؛ *التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم: محمد طاهر الکردی*، تصحیح عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه: اصغر قائدان، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، تحقیق رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق؛ *تفسیر القمی: علی بن ابراهیم قمی (م. ۳۰۷ق.)*، به کوشش سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق؛ حجر اسماعیل: محمد امین پور امینی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش؛ *الخلافا فی الاحکام: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ق.)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق؛ *سعد السعود للنفوس*، سید بن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ق.)، قم، شریف رضی، ۱۳۶۳ش؛ *السیره النبویه: عبدالملک بن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)*، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ق؛ *صحیح ابن خزیمه: محمد بن خزیمه (م. ۳۱۱ق.)*، تحقیق محمد مصطفی الاعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق؛ *صحیح مسلم بشرح النووی (المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج): یحیی بن شرف النووی (۶۳۱-۶۷۶ق.)*، بیروت، دار احیاء

کیفیت طواف و همچنین خواندن نمازهای واجب و مستحب در حجر، مورد اختلاف فقهای شیعه و سنی قرار گرفته و ریشه این اختلاف، به تفاوت دیدگاه ایشان در احتساب یا عدم احتساب حجر، به عنوان بخشی از کعبه است.^۱

علمای امامیه، به اتفاق آراء، حجر را داخل در طواف قرار داده و در صورت ورود به حجر در حال طواف، حکم به اعاده آن داده اند.^۲ فقهای اهل سنت نیز طواف را در بیرون حجر جایز دانسته اند و تنها ابوحنیفه ورود به آن را مخل طواف نمی داند.^۳

◀ منابع

اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار: محمد بن عبدالله الزرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح ملحس، بیروت، دار الاندلس، ۱۴۱۶ق؛ *الاعلاق النفیسه: احمد بن عمر بن رسته (قرن ۳ق.)*، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م؛ *الام: محمد بن ادربیس الشافعی (م. ۲۰۴ق.)*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار: محمد باقر المجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق.)*، تصحیح محمدباقر بهبودی و سید ابراهیم میانجی و

۱. نک: حجر اسماعیل، ص ۴۲-۶۱؛ نک: میقات الحج، ج ۸،

ص ۱۱۱، «حجر اسماعیل».

۲. الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۴؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۷۹.

۳. الام، ج ۲، ص ۱۹۳؛ الهدایه، ص ۱۹۰.

التراث العربي؛ الطبقات الكبرى: محمد بن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بيروت، دار الصادر، ۱۴۰۹ق؛ الغيبة: محمد بن حسن الطوسي (۳۸۵-۴۶۰ق.)، به كوشش عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، انتشارات المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق؛ الكافي: محمد بن یعقوب كلینی (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش علی اكبر غفاری، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان: مقدس اردبیلی احمد بن محمد (م. ۹۹۳ق.)، به كوشش مجتبی عراقی و حسین یزدی و علی پناه اشتیاردی (۱۲۹۶-۱۳۸۷ش.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق؛ مرآة الحرمين: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، تهران، انتشارات مشعر؛ معجم البلدان: یاقوت بن عبدالله الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق؛ المغازی: محمد بن عمر الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المناقب: موفق بن احمد خوارزمی (۴۸۴-۵۶۸ق.)، به كوشش مالک محمودی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ منائح الكرم فی اخبار مکه و البيت و ولاه الحرم: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۲۵ق.)، تحقیق جمیل عبدالله محمد المصری، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ الهدایة علی مذهب الامام احمد: ابوالخطاب الكلوذانی، تحقیق عبداللطیف همیم و ماهر یاسین الفحل، مؤسسة غراس، ۱۴۲۵ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.)، به

كوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

ابوالفضل ربانی



حجرالاسود: سنگی بهشتی و نصب شده در رکن شرقی کعبه

حجرالاسود سنگی است که در رکن شرقی کعبه قرار دارد و نقطه شروع و پایان طواف به شمار می‌رود.^۱ از این رو این رکن، به رکن اسود نیز مشهور است. اهمیت وجود حجرالاسود در کعبه تا بدانجاست که از این سنگ، با عنوان رکن، در منابع یاد می‌شود^۲ و در سخن از ارکان کعبه، در صورت اطلاق کاربرد واژه «الرکن»، رکن حجرالاسود اراده می‌شود.^۳

حجرالاسود که در فاصله یک و نیم متری از سطح مسجدالحرام قرار دارد^۴، صیقلی، به رنگ سیاه متمایل به قرمز و به شکل بیضی نامنظم است^۵؛ و قطر آن حدود ۳۰ سانتی متر و

۱. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۲۲۶؛ المعالم الاثريه، ص ۱۲۹.

۲. تحصيل المرام، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ التواريخ القويم، ج ۳، ص ۲۳۶.

۳. المعالم الاثريه، ص ۱۲۹.

۴. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۲۳۶؛ نک: مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۶۴.

۵. الرحلة الحجازيه، ص ۲۳۰.